

دهه ۶۰

روزهایی مرده
آسمانی ابری
حس نیازی افسرده
در چنگ اجبار
فرو مرده
دیوارهایی خشکیده
در نور خورشید تکیده

آه! رویاهای شیرین جوانی
فغان از آشفته‌گی و ویرانی

زندگی خشک و بی روح
اتاقی خالی از شادی روحی
و من
تکیده در تنهایی

آه! رویاهای شیرین جوانی
فغان از آشفته‌گی و ویرانی
آه! رویاهای شیرین جوانی
گریزگاهی از تنهایی و حیرانی

بشکن! بشکن! بت اجبار
بشکن! بشکن! بت اجبار